

## اخلال گری در مبارزات طبقاتی

اخیرا شخصی با امضای "ژیلا ناصری!" دو یا سه مطلب در برخی از سایتهای اینترنتی پخش کرده است که در همه آنها نوعی دست پاچگی و استیصال سیاسی به چشم میخورند. آخرین مطلب "جوابی به نوشته "توضیح و اضیحات"..." نام دارد و در سایت اتحاد کارگری، درج شده است. در نوشته ادعا شده است که نوشته‌هایی که با امضای "جمعی از فعالین کارگری" چاپ می‌شوند متعلق به "اتحاد سوسیالیستی کارگری" می‌باشد و من را هم به عنوان مسئول وبلاگ "جافک" و نیز عضو "اتحاد سوسیالیستی کارگری" معرفی کرده و ضمنا اضافه کرده است که وبلاگهای دیگری هم توسط من در دست ساختن است. چندی پیش نیز شخصی با ادبیاتی مشابه اما امضایی متفاوت، ایجاد وبلاگهای متعدد و همچنین مطلبی با امضای "شاهو آرمانی" را به من نسبت داد.

من ضمن احترام به گرایشات مختلف و نیز تشکل‌های فوق‌الذکر ("جمعی از فعالین کارگری" و "اتحاد سوسیالیستی کارگری") تعلق تشکیلاتی خود به آنها و همچنین اداره وبلاگهای آنها و از جمله وبلاگ "جافک" را رسماً تکذیب می‌کنم.

البته هدف من از این یادداشت، تنها تکذیب این نوع ادعاهای بی‌اساس نیست، بلکه این را بهانه‌ای قرار دادم تا یادآور شوم که در مسیر مبارزات طبقاتی، پدیده‌هایی از این دست سر راه سبز خواهند شد تا با سنگ پرانی، توهین، جعل امضاء و ...، برای فعالین کمونیست و مبارز کارگری ممانعت بوجود بیاورند. درد ناشی از این کارهای آزار دهنده نمیتواند دردی ماندگار باشد. سنت مبارزاتی چندین ساله جنبش کارگری ایران، جسارت، شجاعت و جانبازی کمونیستها، این درس ارزشمند را از خود بجا گذاشته‌اند که مسیر پر سنگلاخ و پر دردسر مبارزات طبقاتی را باید با آرامش و با حوصله پیش برد. به این اعتبار نه صدور تکذیبیه با نام کارگران اخراجی و جعل امضای آنان، نه سنگ پرانی کسانی که از سر استیصال سیاسی، اسامی مستعارشان را از میان جنس مخالف انتخاب می‌کنند و نه "شکست خوردگانی" که فحاشی و هتک حرمت به کمونیستها و فعالین واقعی جنبش کارگری را آرامبخش و تسلی روان خود می‌دانند، هیچ کدام در مبارزات پیش‌رو مانعی ایجاد نمی‌کنند و این نوع اقدامات مطلقاً بازدارنده نیستند. جنبش کارگری ایران و فعالین واقعی این عرصه بدون توجه به این مسائل و ضمن احساس تاسف برای این در هم شکستگان، مسیر خود را می‌پیمایند.

صدیق اسماعیلی

۲۰۰۹/۱/۱۵

---

در زیر، دو مطلب "توضیح و اضحات" و "جوابی به نوشته "توضیح و اضیحات"..." ضمیمه است.

## جوابی به نوشته "توضیح و اضیحات" گروه نئوتوده‌ایهای نوظهور

دو هفته قبل، نوشته‌ای راجع به "وبلاگ جافک" نوشتم و با استناد به نوشته‌های همین "وبلاگ"، ثابت کردم که این "وبلاگ" متعلق به گروه نئوتودنی (آزرین - مقدم) می‌باشد. در تاریخ ۱۲ دی ماه ۱۳۸۷، این جماعت

ننوتودنی هم به نوشته‌ی مورد نظر پاسخ داده و بسیار زیرکانه از واقعیت بیان شده گریز رفته و چنان می پندارند که گویا این "وبلاگ" وابسته به آنها نیست. قدیمی‌ها گفته‌اند که دروغگو کم حافظه است.

در رابطه با این جماعت، ادعای قدیمی‌ها واقعیت دارد. زیرا آنها در جوابیه خویش به من اینطور نوشته‌اند: "**ناگفته نماند که یک مساله دیگر هم ما را شگفت زده کرد و آنهم میزان «محبوبیت» برخی گرایش‌ها یا افراد در سطح جنبش کارگری است؛ تا حدی که ظن به نزدیکی و ارتباط با آنها، باعث حذف از لیست لینک‌ها یا پرهیز از انتشار مقالات می شود!!**"

آدم نمی داند به دم خروس باور کند یا به قسم حضرت عباس. باری به هر حال، به اطلاع خوانندگان عزیز سایت های آشتی، هلوپست، افق روشن، اتحاد کارگری، آزادی بیان و ... می رسانم که من خبر طعلق این "وبلاگ" به جماعت "آذریں - مقدم" را نه تنها از کسی نشنیده‌ام بلکه از نزدیک و از کل ماجرا نیز خبر دارم و کاملاً مصمم هستم که پروژه‌ی وبلاگ سازی، در جلسه شورای مرکزی این گروه طرح گردید و کار تکنیکی کل وبلاگ های درست شده و یا در حال ساختن نیز به آقای "صدیق اسماعیلی" عضو این جریان واگذار شده است.

ضرورت ایده‌ی "وبلاگ" سازی در بین این جماعت، برای اولین بار از جانب "ایرج آذریں" طرح شد. نامبرده در جلسه‌ی شورای مرکزی اظهار داشت که جریان "اتحاد سوسیالیست کارگری"، در بین مردم محبوب نیست. به همین دلیل، پیشنهاد نامبرده این بود که برخی از نظرات این گروه را زیر پوشش های دیگر انعکاس دهند، بهتر است.

در نوشته‌ی قبلی، من وبلاگ سازی را جزء حق و حقوق این جماعت تلقی کردم اما انتقاد من این بود و کماکان این است: کسی که کارگر نیست و روزی محیط کار را از داخل به چشم ندیده و به اسم کارگر وبلاگ درست می کند و امضای کارگران را زیر نوشته‌هایش می گذارد را اهانت به کارگر دانسته و می دانم. پیشنهاد عملی من این بود و این است که انسان‌ها از نقاب استفاده نکنند و هر آنچه که درست می دانند با اسم خویش بنویسند.

ژیلا ناصری  
۱۳/۰۱/۲۰۰۹

## توضیح و اوضحات!

فکر می کردیم که بروز مسائل عجیب در جنبش کارگری و به طور کلی در جنبش سیاسی ایران چندان هم عجیب نیست. ولی باید اعتراف کنیم که این جنبش بار دیگر ما را شگفت زده کرد. حدوداً دو هفته پیش در سایت آشتی با نوشته کوتاهی به قلم ژیل ناصری روبرو شدیم با این مضمون که وبلاگ «جمعی از فعالین کارگری» را یک جریان ننوتوده ای برای فریب کارگران علم کرده است و این هم در شمار سایت ها و وبلاگ های گوناگونی است که برای پنهان کردن چهره واقعی خود درست می کنند. راستش را بخواهید مساله را جدی نگرفتیم. به خود گفتیم که این یک سوء تفاهم گذرا است و اگر نویسنده بار دیگر به تک تک مقالات، بولتن ها و اطلاعیه هایی که تا به حال به امضای ما منتشر شده رجوع کند، به سادگی می تواند به اشتباه یا پیشداوری خود پی ببرد. حتی فکر کردیم که این فکر احتمالاً بر اثر یک شایعه پراکنی برایش پیش آمده است و ناشی از برداشت مستقیم از مقالات ما نیست؛ چرا که کوچکترین اشاره ای به هیچیک از مواضع مکتوب «جمعی از فعالین کارگری» نشده بود.

کم کم داشتیم ماجرا را فراموش می کردیم که متوجه شدیم آخرین مقاله ما تحت عنوان «حلقه های پیوند بحران و سرکوب» در چند سایت کارگری که معمولاً به انتشار مقالات جمعی از فعالین می پرداختند، گذاشته نشده است. و یکی دو سایت هم لینک وبلاگ ما را از لیست لینک های خود حذف کرده اند! خوشبختانه مسولان یکی از سایت های کارگری به ما علت عدم انتشار مقاله آخر از سوی خودشان را در میان نهاد و نوشته ژیل ناصری را هم ضمیمه کرد. این دوستان به ما یادآور شدند که عدم موضع گیری در مقابل این نوشته به معنی تایید آن است و تا زمانی که پاسخی علنی به آن ندهید، ما از انتشار مقالات جمعی از فعالین کارگری اجتناب می ورزیم.

این تذکر باعث شد که ما به خود آییم و بدانیم در این جنبش با چه واقعیات و مشکلاتی روبرویم و چه چیزهایی را باید مدام مد نظر قرار دهیم. اگر در مقالاتی که از ما تاکنون منتشر شده دقت کرده باشید متوجه می شوید که ما تلاش کرده ایم از پرداختن به این نوع مجادلات که آنها را فرعی ارزیابی می کنیم پرهیزیم و

توجه خود را روی خطوط و جهت گیری ها و برنامه های گوناگون طبقاتی و سیاسی و تشکیلاتی متمرکز کنیم. به هر حال، خود را با توجه به مسائل پیش آمده ملزم می دانیم که اطلاعات مطرح شده در نوشته ژایلا ناصری را رسماً تکذیب کنیم و بار دیگر توجه همه رفقا و دوستان را به مواضع و جهت گیری های خود که آشکارا و مستقیماً در مرزبندی با اکونومیسم و رفرمیسم و رویزیونیسم قرار دارد، و هیچ قرابتی با گرایش مورد نظر ژایلا ناصری ندارد، رجوع دهیم.

ناگفته نماند که یک مساله دیگر هم ما را شگفت زده کرد و آنهم میزان «محبوبیت» برخی گرایش ها یا افراد در سطح جنبش کارگری است؛ تا حدی که ظن به نزدیکی و ارتباط با آنها، باعث حذف از لیست لینک ها یا پرهیز از انتشار مقالات می شود!!

با این توضیح کوتاه، امیدواریم در بین همه دوستان و رفقا اگر شبهه ای به وجود آمده بود، رفع شده باشد.

به امید پیروزی

فردا از آن طبقه کارگر است

«جمعی از فعالین کارگری»

۱۲ دی ماه ۱۳۸۷